

مهسا سادات سیدصالحی^۱، مریم محمدی^۲، غلامرضا داوودی پور^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۱۷۰-۱۴۳

<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7944>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: شعر فارسی در هند با شاعران بزرگی مانند صائب تبریزی و امیر خسرو دهلوی رونق و کمال یافت و در طول ادوار گذشته شاعران بسیاری در آن سرزمین ظهور کردند که محمّدامین شهرستانی شاعر قرن دهم هجری (۹۸۱-۱۰۴۷) ورارود، با همه شهرت و اعتباری که در سرزمین هند بین فارسی‌زبانان دارد، اما متأسفانه در کشور ما ایران کمتر شناخته شده است. نویسندگان این جستار برآنند تا با ارائه توضیحاتی چند در باب زندگی این شاعر و بررسی محتوای اشعار وی شناخت تازه‌ای از شاعر و آثارش ارائه دهند.

روش‌ها: پژوهش پیش رو، به دو شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

یافته‌ها: آثار او مشتمل بر غزلیات که وی در جوانی سروده است و مثنویهای چهارگانه‌ای است که به پیروی از نظامی گنجوی سروده شده است. خو شبخانه از این شاعر نسخه‌های خطی معتبری در ایران و خارج از ایران وجود دارد که یکی از معتبرترین نسخه خطی لیلی و مجنون این شاعر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که با به دست آوردن این نسخه و چهار نسخه دیگر در کتابخانه‌های ایران کار تصحیح و مقابله را برای مصحح تا حدی آسان کرده است. **نتیجه‌گیری:** روح‌الامین از نظیره‌سرایان نظامی است و در این نظیره‌گویی از تجربه شاعران پیش از خود نیز بهره برده است چنان که خود در شیرین و خسرو از جامی و امیر خسرو دهلوی به بزرگی یاد می‌کند.

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ مرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

محمّدامین شهرستانی اصفهانی،
قرن دهم، نسخه خطی،
تصحیح لیلی و مجنون.

* نویسنده مسئول:

✉ M_mohamadi@iau-tnb.ac.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۸۰۰۰۰۰۰۰۰)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Poetry in India

Recognizing Mohammad Amin Shahrestani Isfahani and Introducing the Most Complete Manuscripts of the Masnavi of Layla and Majnun the Poet and Its Stylistics

M. Sadat Seyed Salehi¹, M. Mohammadi^{1*}, Gholamreza Davoodipour²

1- Department of Persian Language and Literature, NT.C., Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, WT.C., Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 May 2025

Reviewed: 16 June 2025

Revised: 01 July 2025

Accepted: 17 August 2025

KEYWORDS

Mohammad Amin Shahrastani
Isfahani, 10th century, manuscript,
corrected by Laili and Majnoon

*Corresponding Author

✉ M_mohamadi@iau-tnb.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Persian poetry flourished and matured in India with great poets such as Saeb Tabrizi and Amir Khosrow Dehlavi, and many poets emerged in that land over the past periods, including Mohammad Amin Shahrestani, a poet of the 10th century AH (981-1047). Despite all the fame and prestige he has among Persian speakers in India, unfortunately he is less well known in our country, Iran. The authors of this essay aim to provide a new understanding of the poet and his works by providing a few explanations about the life of this poet and examining the content of his poems.

METHODOLOGY: The present research was conducted in two documentary and library methods.

FINDINGS: His works include ghazals that he composed in his youth and four masnavis that were composed following the Ganjavi system. Fortunately, there are authentic manuscripts of this poet in Iran and abroad, one of the most authentic manuscripts of this poet's Layla and Majnoon is in the library of the Islamic Consultative Assembly. By obtaining this manuscript and four other copies in Iranian libraries, the work of correction and confrontation has been somewhat easier for the corrector.

CONCLUSION: Ruhol-al-Amin is one of the military poets, and in this analogy, he has also benefited from the experience of poets before him, as he himself mentions Jami and Amir Khosrow Dehlavi as great in Shirin and Khosrow.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7944>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 31	 0	 0

مقدمه

محمدامین شهرستانی اصفهانی متخلص به روح‌الامین از شاعران و سادات حسینی قرن دهم هجری است که در سال ۹۸۱ هـ در بلده شهرستان از ناحیه اصفهان به دنیا آمد. شرح حال او در منابع معتبر دست اول و دوم گاه مشهور به میر جمله^۱ و گاه با تخلص روح‌الامین یا روح‌امین بازگو شده است و در سال ۱۰۴۷ در اثر بیماری لقوه و فالج چشم از جهان فرو بست. معتمدترین کسی که سال درگذشت شاعر را ثبت کرده است محمد صالح کنبو (۱۹۶۷: ۲۰۹ - ۲۱۰) تاریخ‌نگار دربار پادشاه جهان و ازخواجه تاشان روح‌امین است که وفات او را ۱۰۴۷ ق. آورده است.

«..... میر جمله بخشی به مرضی ناگهانی لقوه و فالج آن جهانی شد.»

در مورد تاریخ تولد و وفات (۹۸۱ هـ ۱۰۴۷ هـ) شاعر از سه طریق در این جستار استفاده شده است:

۱) از طریق اشعار خود شاعر بخصوص در مثنوی «خسرو و شیرین» که به طور معمول از ماده تاریخی استفاده کرده است؛

۲) از طریق تذکره‌های معتبر نزدیک به خود شاعر؛

۳) از طریق تاریخ معتبر عمومی (بررسی اوضاع پادشاهی شاهان).

۱-۱) در مورد تاریخ تولد محمدامین (۹۸۱ هـ) مطلبی است که از اشارت موجود در مثنوی خسرو و شیرین بر می‌آید.^۲

چو نه بر بیست افزون شد به سالم بیامد آیت دولت به فالم
شمار عمر چون بگذشت شش سال به چوگانم در آمد گوی اقبال
چو هفده شد فزون بر الف تاریخ درخت دولتم را سخت شد بیخ

چنان که ابیات تصریح دارند «روح‌الامین» در ۲۹ سالگی به هند می‌رود و پس از یک سال به دربار پادشاهی محمدقلی قطب شاه راه می‌یابد و شش سال بعد از آن مقارن با سال (۱۰۱۷ ق.) به مناصبی دست می‌یابد. در نتیجه او در سال ۱۰۱۷ ق. ۳۶ ساله بوده است و بنابراین سال ولادتش ۹۸۱ ق. است.

۱-۲) اولین کسی که شرح حالی از این شاعر بزرگ را به قلم کشیده است جهانگیر پادشاه بوده است.

۱-۳) محمدامین از درایت و کیاست فراوانی برخوردار بود و به همین علت محمدقلی قطب‌الملک^۳ همه امور ملکی و معاملات مالی را به مدت زیادی به او واگذار می‌نماید.

در مآثرالامرا آمده است:

«اگرچه در سیادت و شرافت نسب مرتبه بلند داشت اما از اخلاق مرضیه و اطوار بهینه نصیبه نداشت»^۴ پس از مرگ محمدقلی قطب‌شاه حکومت به برادرزاده خود سلطان محمد میرسد اما محمدامین مانند گذشته مورد

۱. تذکره خوشگو، نسخه خطی مجلس شماره ۴۰۳، صص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۲. میر جمله؛ در اصطلاح مستعمل هند، به شغل وزیری اطلاق می‌شده است.

۳. محمد صالح کنبو (تاریخ نگار) (۱۹۶۷: ۲۰۹ - ۲۱۰)

۴. رجاعات این جستار به نسخه خطی همگی مربوط به نسخه شماره ۹۱۸۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مثنویهای روح‌الامین) است.

۵. قطب شاهیان: نام سلسله‌ای از سلاطین که بر ولایت کلکته از سال ۹۸۱ - ۱۰۹۱ هـ ق. حکومت می‌کردند.

۶. مآثر الامرا، نسخه خطی مجلس شماره ۱۳۸۰۳ ص ۴۱۶.

توجه و اقبال شاه جدید قرار نمیگیرد و این امر شاعر مغرور ما را دل‌آزوده مینماید که در وصف حال خود چنین میگوید:

کناره جویی از این مشت استخوان شده‌اند
سگان این سر کوی خوش مزاج دادن شده‌اند^۱

با توجه به بی‌مهریهای شاه، محمدامین دوری از خانه و خانواده را بهانه‌ای برای ترک هند میکند و به ایران بر میگردد، اما هرگز سرزمین هند و منصبی و میر جملگی را فراموش نکرده است، وقتی پس از سالها مجدداً شاه از او دعوت کرد که به هند برگردد، هرگز تعلل نمیکند و به قول جهانگیرنامه «جریده روی اخلاص به درگاه نهاد»^۲ روح‌الامین وقتی رهسپار ایران میشود به سوی دربار شاه عباس میرود به امید این که مورد توجه شاه واقع گردد و به مقامی شایسته برسد اما از آنجائیکه شاه عباس در فکر این بود که اموال او را از چنگش خارج کند روح‌الامین در پی نامه جهانگیر پادشاه در سال ۱۰۲۷ هـ.، راهی دربار پادشاه هند میشود. سرانجام همانطور که در ابتدای مقدمه به تاریخ وفات او اشاره شد سید محمدامین شهرستانی اصفهانی در سال ۱۰۴۸ جان به جان آفرین تسلیم کرد.

تنها کتابی که در مورد مرگ او نوشته شده شاه جهان‌نامه است که مینویسد:

«نهم شهریور میر جمله بخشی به مرضی ناگهانی لقوه و فالج آن جهانی شد»^۳

نحوه پژوهش در این جستار

این جستار به دو شیوه انجام گرفته است:

الف: شیوه اسنادی؛ ب: شیوه کتابخانه‌ای. بدینگونه که ابتدا به فهرست نسخه‌های خطی احمد منزوی^۴ به کتابخانه مجلس اسلامی مراجعه شد و نسخه خطی کلیات آثار این شاعر از کتابخانه داخل از کشور تهیه شد و خوشبختانه در طهران چهار نسخه خطی وجود دارد:

۱- کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ ۲- کتابخانه دانشگاه تهران؛ ۳- کتابخانه ملی تهران؛ ۴- مثنوی لیلی و مجنون در کتابخانه مجلس. و تا حد امکان اطلاعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و زبانی شاعران قرن دهم و یازدهم و مکان زندگی شاعر بر اساس داده‌های موجود در تذکره‌ها و کتابهای معتبر دیگر استخراج و فیشررداری و سرانجام بر اساس منابع معتبر و تذکره‌های معتبر تدوین شد.

ضرورت تصحیح لیلی و مجنون شاعر و بیان مسئله

برای حراست میراث فرهنگی، ضرورت تصحیح متون کاملاً آشکار است تا بتوان پشتوانه‌ای محکم و اصیل برای نسلهای آینده فراهم آورد.

محمدامین شهرستانی اصفهانی از شاعران صاحب منصب اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است که تا کنون تصحیح دقیق و تحلیل سبکی و بررسی موشکافانه از کلیات او صورت نگرفته است و اگر هم بعضی از آثار وی مثل غزلیات یا بعضی مثنوی‌های شاعر مثل خسرو و شیرین تصحیح شده است اما نه تنها کامل و معتبر نیست بلکه بسیار ناقص و ابتر است.

۱. نصر آبادی، محمد طاهر تذکره الشعراء نصر آبادی محمد ص ۸۰.

۲. جهانگیرنامه نسخه خطی مجلس شماره ۵۷۰۸ ص ۲۵۶.

۳. کنبو، محمد صالح، عمل صالح الموسوم به شاه جهان‌نامه، تحشیه یزدانی با تصحیح قریشی وحید صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۴. منزوی احمد فهرست نسخه‌های خطی ص ۲۶۸۴.

در نتیجه این پژوهش می‌تواند به تدوین سبک‌شناسی زبان فارسی کمک شایانی داشته باشد و در تدوین عملی تاریخ ادبیات یا دیگر پژوهشگران باشد؛ همچنین به سبب آنکه شاعر مسائل شخصی و اجتماعی زمانه خود را در اشعارش به خوبی نشان داده است، می‌توان در تدوین تاریخ و جامه‌شناسی نیز از آن بهره برد. چنانکه اشاره شد مجموعه اشعار تاکنون در دسترسی محققان و ادب‌دوستان نبوده و به‌جز دو تصحیح نامعتبر از غزلیات و مثنوی خسرو و شیرین که گمان می‌رود هنوز به چاپ نرسیده و در حد پایان‌نامه باقی مانده است متن منتشر شده دیگری از او در دست نیست. در چند قرن اخیر بر اثر عوامل تاریخی و سیاسی، میان کشور ما و گسترده رواج زبان فارسی به ویژه در سرزمین هند خاستگاه سبک هندی گسستی به وجود آمده است.

نویسندگان این پژوهش بر پایه آنچه در تذکره او دیگر کتابها ذکر شده است و بر اساس آنچه از خلال اشعار شاعر به دست می‌آید، به معرفی احوال و آثار محمدامین شهرستانی اصفهانی می‌پردازند و نسخه خطی خمسه روح‌الامین که عبارت از ۳۰۶ برگ است در کاغذ کلفت، متن با خط نستعلیق نوشته شده است و تاریخ کتاب آن قرن یازدهم است به شماره میکرو فیلم ۹۹۲ مجلس شورای ملی، شناسنامه این نسخه در پایان مقاله پیوست دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهشهای جدی که درباره محمدامین شهرستانی اصفهانی شاعر قرن اوایل یازدهم تا کنون صورت گرفته در سر محور قابل تأمل و بررسی است.

الف: محققانی که تا کنون بخشی از کلیات اشعار او را تصحیح و یا به چاپ رسانیده‌اند، همانند سفینه خوشگو (۱۳۸۹) به تصحیح سید حکیم اصغر است.

ب: پادشاهانی که هم عصر محمدامین شهرستانی مطالبی را در یادداشت‌های خود به ثبت رسانیدند که اسناد و اطلاعاتی مفید از چگونگی زندگی شاعر و خوی و خصلت و تعصب او به ایران نمایان برجسته است.

جهانگیر حضور میر محمدامین در دربارش را ذیل رویدادهای سال سیزدهم جلوس خود آورده است که میر محمدامین در سال ۱۰۲۷ ق. وارد دربار جهانگیر گورکانی شده است. و روح‌الامین تا پایان حیات جهانگیر یعنی سال ۱۰۳۹ در خدمت او بوده است.

ج: منابع معتبر و با ارزشی نزدیک به زمان خود شاعر تا منابعی که در طول تاریخ بعد از مرگ شاعر اسناد و مدارکی متقن در دسترس ادب‌دوستان قرار دادند که این منابع مهم کمک شایانی به نحوه زندگی شاعر، سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات و مسائل اجتماعی و فرهنگی میکند و خوی و خصلت شاعر و چگونگی بازگشت به ایران و رفتن به نزد شاه عباس صفوی و بازگشت شاعر به هند تمامی ابعاد تاریک و خاکستری زندگی شاعر روشن میشود. اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۷؛ ۸۸۳/۲) مورخ دربار پادشاه عباس ذیل وقایع سال‌های (۱۰۲۲ ق. و ۱۰۲۴ ق.) «ثقل کرده: یا در تاریخ وفات محمد امین به سال (۱۰۴۸) تنها منبعی که در مورد مرگ او نوشته است، شاه جهان‌نامه است.^۳ میرزا محمدطاهر نصرآبادی یکی از معروفترین تذکره‌نویسان معروف به تذکره نصرآبادی در مورد شاعر محمدامین شهرستانی میگوید «در اول شباب روانه هندوستان شد و به منصب میر جملگی سرافراز شد» نصرآبادی (۱۳۱۷): (۵۶)

۱. خوشگو، بندر ابن داس (۱۳۸۹) سفینه خوشگو، تصحیح سید حکیم اصغر، تهران کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲. اسکندربیک ترکمان (۱۳۸۷). تاریخ آرای عباسی به اهتمام ایرج افشار.

۳. کنبو، محمد صالح، عمل صالح الموسوم به شاه جهان نامه تحشیه یزدانی، غلام تصحیح قریشی، وحید صص (۲۰۹ و ۲۱۱).

۴. میرزا محمدطاهر نصرآبادی (۱۳۱۷ ش). تذکره نصرآبادی تصحیح و وحید دستگردی، چاپ ارغوان.

محمدامین شهرستانی اصفهانی از زبان تذکره‌ها

تذکره شام غریبان سال ۱۰۱۳ را برای مهاجرت محمدامین شهرستانی به هند اینگونه بیان کرده است و مینویسد «در سال هزار و سیزده از ولایت رو به دیار دکن آورد ...» (شفیق اورنگ آبادی ۱۹۷۷: ۱۰۹)

روح‌الامین علاوه بر پست منصب داری از شاعران پرکار زمان خویش است و شاعرانی چون اختری یزدی و حکیم کاشانی را سرپرستی کرده است. کلیم در چند قصیده روح‌الامین را مدح کرده و در چند غزل از وی نام برده است. محمدامین از نظیره‌سرایان نظامی است و در این تقلید از تجربه شاعران پیش از خود نیز بهره برده است. چنان که خود در مثنوی شیرین و خسرو، از جامی و امیر خسرو دهلوی به بزرگی یاد میکند. او به تقلید از نظامی ظاهراً خمسه‌ای سروده است که عبارت‌اند از شیرین و خسرو، مطمح‌الانظار، لیلی و مجنون، بهرام‌نامه و جواهرنامه همچنین دیوانی از غزل دارد که آن را گلستان ناز نهاده است و مربوط به غزل‌های دوران جوانی است.

سبک‌شناسی محمدامین شهرستانی

محمدامین در اشعار خود صاحب سبک و نحوه بیان متعالی است و در نکات زبانی و بلاغی اگر چه بیشتر از نظامی در تارک ادبیات نمیدرخشد اما کمتر از او هم نیست. نظیره‌گویی روح‌الامین صرفاً تقلیدی نیست همانطور که حضرت حافظ می‌فرماید:

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که میشنوم نامکررست

(حافظ تصحیح دکتر پرویز خانلری)

سخن گفتن از سبک و شیوه بیان یک شاعر یا نویسنده معمولاً از طریق ورود به حوزه‌های زبانی و بلاغی امکانپذیر است. بدیهی است هر گوینده‌ای همچنان که از زبان شاعران و نویسندگان پیش از خود متأثر است، از تأثیر زبان و نحوه گفتار و تعبیر خاص عصر خویش نمیتوان برکنار باشد. در این میان آنچه موجب ارزشمندی یک اثر ادبی میشود چگونگی بهره‌گیری صاحب اثر از زبان و نوآوری و تازگی‌ای است که به سخن خود میبخشد، ناگفته نماند که در خلق هر اثری به خصوص اثری که به تقلید از شاعران متقدم پدید می‌آید دقت و ظرافت بیشتری لازم است تا بتوان آن را از شکل یک اثر تقلیدی صرف بیرون آورد و به آن یک اثر تازه بخشد.

سبک و شیوه بیان محمدامین در لیلی و مجنون

دکتر محمدتقی بهار در کتاب سبک‌شناسی که در سه جلد نگاشته شده است، سبک را به سبک خراسانی، عراقی، هندی و سبک دوره بازگشت تقسیم‌بندی کرده است. اما امروزه سبک را به گونه زبانشناختی بررسی میکنند و محققان معتقد هستند که سبک همانند دیگر پدیده‌ها همچون زبان در یک مقطع یا برشی از زمان و تاریخ به وجود نمی‌آیند تا در یک مقطع و زمان خاصی به پایان برسند بلکه سبک و شیوه بیان تدریجی است و کم‌کم سبکی به وجود می‌آید و به تدریج از بین می‌رود مثل زبان که کلمات به تدریج از زبان انسانها متروک و کهنه میشوند و لغت و ترکیبات نو جایگزین آنها میشوند سبک هر نویسنده یا شاعر هم بدینگونه است اگر بگوییم که شاعرانی که از نظر جغرافیایی یا تاریخی در یک زمانی صاحب مثلاً سبک عراقی هستند و هیچ نشانه و یا رگه‌هایی از سبک خراسانی در آنها وجود ندارد سخت در اشتباه هستیم چرا که در سبک هندی نیز رگه‌های از سبک عراقی وجود دارد اما ممکن است بسامد کمتری از سبک عراقی در آن وجود داشته باشد حال شاعر مورد نظر محمدامین که به نوعی در هندوستان بیشترین سروده‌های خود را سروده و شاید در جرگه شاعران دوره بازگشت قرار گیرد اما خود ممکنه که رگه‌هایی از سبک خراسانی و عراقی و هندی در شیوه بیان او وجود داشته باشد با توجه اینکه

شاعر مورد بحث ما جز نظیرگویان نظامی است اما هرگز نمیشود به آن نسبت تقلیدی محض متصور شد همانطور که در بحث شیوه و سبک بیان شد همه پدیده‌ها حتی در طبیعت نمیتوان دو تا درخت را مثل هم یافت یا دو نفر را حتی در یک خانواده صددرصد همانند هم نیستند. سبک و شیوه نیز بدینگونه است هر شاعری اگرچه از شاعر دیگر هم تقلید کرده باشد باز هم خود صاحب اندیشه و ذهن و خلاقیت نوین در شیوه بیان آن پدیدار است. اگر بخواهیم به طور فشرده و فهرست وار شاخصه‌های سبکی شاعر را برشماریم باید به مقوله زیر به اختصار اشاره کرد:

- ۱- توجه شاعر به صور خیال (تشبیه و اندکی استعاره)؛
- ۲- بهره گرفتن از عناصر، اغراق، غلو و مبالغه آن هم در جاهای مختلف، اغراق‌هایی که بیشتر با ساختار حماسی سازگار است؛
- ۳- عینی‌گرایی شاعر و بهره‌جویی گسترده از عناصر محسوس در ایجاد تصویرهای شعری؛
- ۴- استفاده از تصویرهای شعری زیبا و در وارد مختلف تازه و بدیع؛
- ۵- پرهیز از تعابیر نا مانوس عربی و ترکی؛
- ۶- توجه به صنعت اطناب و ایجاز بجا و درست؛
- ۷- استواری و پختگی سخن؛
- ۸- پرهیز از به کارگیری تعابیر و الفاظ مهجور و دور از عرف زبان؛
- ۹- اجتناب از توصیفهای ملال‌آور؛
- ۱۰- بهره جویی از ترکیبات بدیع و تازه.

محمّدامین شهرستانی در پی بیان حوادث داستانی است از این رو نمیخواهد خود را با درگیر کردن با اموری که از آن به تفنن‌های ادبی تعبیر میشود، از هدف اصلی دور سازد؛ بنابراین اگر از صنعت‌های بدیعی نیز در شعر او نشانه‌هایی میبینیم بیشتر رنگ طبیعی دارند نه تصنعی و این امر برای هر شاعری ممکن است پیش آید. در ابیات نظامی در لیلی و مجنون حلاوت و شیرینی و روانی اندیشه موج میزند در حالی که این حلاوت و ایجاد لذاذذ در ابیات لیلی و مجنون محمّدامین شهرستانی کمتر دیده میشود.

مثال آنجا که شاعر در لیلی و مجنون میخواهد بگوید عشق پنهان نمی‌ماند، این ابیات را می‌آورد:

مرغی	که	باوج	کرد	پرواز	پنهان	شدنش	بود	ز	اعجاز
بر	اشتری	اگر	سوار	گشتی	هستی	چو	بروی	آب	گشتی

(نسخه تهران ص ۲۶)

سبک هندی

به طور قطع سبک هندی از اوایل قرن یازدهم و تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری امتداد مییابد که تقریباً به مدت صدوپنجاه سال در زبان و ادب فارسی ما رونق بسیاری پیدا کرده بود، حکومت صفوی نه تنها به شعر مدحی و درباری وجهی نمینهد. بلکه با آموزه‌های سنتی و عرفانی نیز سر جنگ داشت به همین خاطر شاعران در این دوره بیشتر به موضوع‌هایی از قبیل اندرز، مثل مضمون آفرینش، خیال‌پردازی و نازک‌اندیشی روی آوردند. موضوعات کهن به مضامین تازه رواج یافت شعر به طور کلی از محدوده شاعران باسواد کم بیرون رفت و شعر به کوچه و بازار راه یافت و در دسترس عموم مردم قرار گرفت.

روی آوردن طبقه عامه مردم به عالم ادبیات که باعث شد زبان و کوچه بازار به شعر راه پیدا کند، در این دوره واژگان شعر گسترش یافت و لغات کهن فارسی از زبان ما دور شد و دیگر از مختصات سبک خراسانی خبری نبود. یکی از علت‌های اساسی حذف ویژگی‌های سبک زبان قدیم حملات پی‌درپی بیگانگان (حمله مغولان، تیموریان، ازبکان) به ایران بود به خصوص در نواحی مشرق ایران که به نابودی آثار کهن زبان فارسی ختم شد. لغات معروف به مذاهب و رسوم هندوان در این دوره به حوزه شعر و ادب ورود پیدا کرد. در این دوره با از بین رفتن تسلط حکومت بغداد استفاده از کلمات عربی کم شد و حمله ناجوانمردانه تیموریان و ازبکان علت رواج زبان ترکی و باعث ضعف زبان فارسی شد.

به‌ویژه که پادشاهان صفوی نیز خود به ترکی سخن می‌گفتند در کل می‌توان گفت که بی‌دقتی و بی‌توجهی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و داخل شدن کلمات عامیانه از ویژگی سبکی این دوره محسوب می‌شود. ویژگی‌های سبکی لیلی و مجنون محمد امین در سه قلمرو الف: قلمرو زبانی؛ ب: قلمرو ادبی؛ ج: قلمرو فکری. الف: قلمروی زبانی: یکی از مختصات مهم سبک تکرار و تداوم رفتارهای زبانی است در یک چارچوب زمانی و این زبان هویت پیدا می‌کند که باعث تداوم عناصر صوری و تکرار در محتوای کلامی در سخن گوینده باشد. سبک‌شناسی زبانی چگونگی کاربرد واحدی آوایی (مثل آهنگ و صدا است) یک موقعیت زبانی. یک: وزن مثنوی محمد امین: وزنی که در مثنوی لیلی و مجنون انتخاب کرده بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف و (مفعول مفاعل فعولن) است.

فهرست‌نویس دفتر عشق آن سینه نموده مجمر عشق
(ص ۱۲۱)

دو: تکرار قافیه:

موسیقی کناری از ویژگی‌های سبک هندی به کارگیری تکرار در قافیه است که تنها تکرار قافیه را عیب نمی‌شمردند بلکه آن را نوعی عمل هنرمندانه می‌پنداشتند. دکتر سیروس شمیسا نیز معتقد بوده است: «که شعر سبک هندی از شعر دوره پیش جدا نیست الا در تکرار قافیه که شدیداً در این دوره رواج داشت» (شمیسا ۱۳۷۵: ص ۴۳) که مثنوی لیلی و مجنون نیز از این قاعده بی‌بهره نیست.

زو مرتبه شهی بلند است در مجمر او ملک بلند است (ص ۶)

سه: قافیه فعلی:

میخواست، آراست

مجنون چو بیافت آنچه میخواست بنشست و یکی صحیفه آراست (ص ۷۶)

آراست، میخواست

چون اهل بهشت چهره آراست پس رفت به آن چمن که میخواست (ص ۷۷)

که معمولاً قافیه فعلی یکی از پرکاربردترین قافیه فعلی با بسامد بالا در مثنوی لیلی مجنون است. مثل: (قافیه شکستنی است بستنی است)

چهار: ردیف:

الف: ردیف فعلی:

آمد، آمد

در راه چمن چو بلبل آمد نزدیک سراجہ گل آمد (ص ۱۸۵)

کرد، کرد

بر نامه چون آن پری نظر کرد هر چیز که خشک بود ترک کرد (ص ۱۸۵)

گفت، گفت

از عقل گه و گه از جنون گفت اینگونه سخن زحد برون گفت (ص ۱۸۹)

ب: ردیف اسمی:

ریش، ریش

بودیم تو مرهم دل ریش شرمندہام از تو گل ریش (ص ۲۰۸)

عشقم، عشقم

من غمزه گه خانزاد عشقم دائم پی مراد عشقم (ص ۲۱۱)

عشق، عشق

ای از تو گشایش در عشق خاک در توست افسر عشق (ص ۸)

ج: ردیف ضمیر:

تو، تو

همراه من است مادر تو حیران به دو دیده‌تر تو (ص ۲۰۰)

بود، بود

در معلمه‌اش که چون جنان بود گل ز پیش باغ آسمان بود (ص ۲۶)

د: ردیف حرف را:

را، را

بنمود آسمان گهر را بر پای پدر افکند سر را (ص ۵۵)

را، را

افراخت نوای آه غم را شد عارض لشکر علم را (ص ۱۶۰)

راه را

بر آب فکنده سید را مغلوب ز توست نیک و بد را (ص ۱۶۸)

باید به این نکته توجه داشت که بیشتر ابیات محمّدامین در لیلی و مجنون مرادف است و در اشعارش بسامد بالایی از ردیف وجود دارد. این نشان می‌دهد که محمّدامین تا چه اندازه به زیبایی کناری و موسیقی شعر اهمیت می‌دهد.

بدیع لفظی (موسیقی درونی)

بدیع لفظی صنایعی هستند که گوش مخاطب را مینوازند و در ذهن مخاطب لذت ایجاد میکنند.

یک: صنعت تکرار:

که شامل (واژه، عکس ردالصدر، هم حروفی، هم صدایی) میشود. که صنعت تکرار با بسامد بیشتری در مثنوی لیلی و مجنون محمّدامین وجود دارد.

هم حروفی

تکرار ۶ بار حرفش

دیدش که چشم نیست خاموش لیلی‌اش نمیشود فراموش (ص ۵۵)

رد الصد الی العجز و برعکس

که نظامی به چه زیبایی از این صنعت استفاده کرده است:

مجنون به هوای کوی لیلی در دشت در دشت به جستجوی لیلی میگشت

می‌گشت همیشه بر زبانش لیلی لیلی می‌گفت تا زبانش میگشت

سجع

انواع سجع عبارت‌اند از: متوازی، مطرف، متوازن:

سجع متوازی: سجعی است که حرف آخرشان یکسان باشد و حرف اول آن متفاوت و هم وزن باشند. مثل کباب

و رباب

رشته، گشته

ای رشته عقل را ز تو ناب گشته ز تو و سپید مهتاب (ص ۳۷)

قهر، بحر

گر قهر کنی کجا نهم روی جز بحر کجاست جای هر جوی (ص ۸۱)

عبیر، عنبر

خاک در او شد دست افسر بر فرق عبیر و مشک و عنبر (ص ۹۶)

وصف، و صاف (سجع مطرف)

وصف تو زهر زبان نیاید و صاف تو این آن نشاید (ص ۱۰۸)

تیغ و میغ (سجع متوازن)

تیغ تو چو میغ و ژاله‌اش خون زان برق جهت همیشه بیرون (ص ۱۲۳)

جناس تام:

روان = رو + آن: صفت فاعلی روان = روح

تریاک که باشدش روان بار از بحر روان مهاجر است و انصار (ص ۱۲۸)

گران: با ارزش گر + آن = صفت فاعلی

تیر نو گران فضا کم آید با آتش و باد گران تو آمد (ص ۱۳۰)

جناس مرکب:

در ظل تو چون گرفت منزل شد روح روان و صاحب دل

روان: رو + آن = صفت فاعلی روان = روح است که به این گونه جناس، جناس مرکب می گویند.

جناس افزایشی:

عدل، عدیل

علم تو زیاده از حساب است عدل تو عدیل آفتاب است (ص ۲۲۵)

نوع واژگانی

در قسمت واژگانی به تحقیق انواع کلمات موجود در مثنوی لیلی و مجنون محمد امین پرداخته میشود. که این کلمات شامل (اسم ذات، معنی، اسامی فارسی و عربی، افعال ساده و بیشتر مرکب) میباشد که دارای بسامد بیشتری نسبت به مسائل دیگر هستند عبارت‌اند از:

الف: عینی؛ ب: انتزاعی

کلماتی که بر اشیا واقعی و محسوس دلالت دارند عینی هستند و کلماتی که بر معانی و مفاهیم فکری و ذهنی دلالت دارند انتزاعی هستند.

کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک میشود (فتوحی ۱۳۹۱: ص ۲۵۱)

واژه عینی: مجنون، لیلی، دریا، آسمان، زمین، کوه، سنگ، آفتاب، افلاک، نخلستان و...

واژه انتزاعی: مثل غم، درد، آشنایی، عشق، سوز، شادی و.. هزاران واژه در همین سطوح قرار میگیرند.

واژه‌های پرتکرار

واژه‌های پرتکرار به خاطر تعداد ابیات زیاد نزدیک به چهار هزار بیت یک امر طبیعی است و از بسامد بسیار بالایی برخوردار هستند.

کاربرد اصطلاحات صوفیه

ساقی، شراب، خرقه، زاهد، مسجد، خانگاه؛

اصطلاحات دینی: کعبه، حاجیان، زهد، زاهد، مسجد؛

استفاده از اسمهای خاص: مجنون، لیلی، قبیله، خضر، سلیمان؛

استفاده زیاد از اسم عام: کوه، بیابان، دره، قلعه، نخلستان، بیابان، اسب، گاو، گوسفند.

کاربرد زبان عامیانه

سرازیر شدن تعبیرات و کلمات عامیانه در شعر به خصوص در نظیره‌گویی لیلی و مجنون و محمد امین با بسامد زیادی به چشم می‌خورد. از ویژگی سبک هندی زرین کوب می‌فرمایید «در شعر فارسی مخصوصاً در دوره صفویه به سبب آنکه از انحصار اهل مدرسه خارج شد و در دست بازاریان افتاد خیاط کنشگر خرده فروش» (زرین کوب ۱۳۷۲: ص ۵۷) محدوده زبان گسترش یافت و بسیاری از تعابیر ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بر بست.

دکتر شمیسا نیز یکی از علل محو مختصات سبک قدیم و جملات بیگانه به خصوص به نواحی شرق ایران میداند که باعث نابودی کتابخانه شد.

به همین دلیل کلمات عامیانه و در ترکیبات و کنایات که با زبان کوچه و بازار است در مثنوی لیلی و مجنون محمّدامین مشهود است.

پشتم شده خم بزیر آن بار گر گفتن آن زبان کند عار (ص ۴۷)

یا رب به از خطا روی آبی فکنم ز لطف در جوی (ص ۵۱)

از قهر بمن ترا چه خیزد صدای گر آب رویم بریزد (ص ۵۸)

به کارگیری ترکیبات بدیع

زخمای ناسور، خانه شرع

ای مریم زخمای ناسور شد خانه شرع از تو معمور (ص ۲۱۸)

مهر انور

ای بدر منیر و مهر انور صاحب همه را پس از پیامبر (ص ۲۲۱)

عمارت روان

جسم تو را عمارت روان کرد نور تو زمین چو آسمان کرد (ص ۲۳۲)

وصف علی اعلا

او را ملک بچرخ والا باشد وصف علی اعلا (ص ۲۴۷)

خرده بر ماه

طبعم چو گرفت خرده بر ماه در مملکت سخن شدم شاه (۲۵۳)

شاهنشہ نطق، پخته آفتاب

شاهنشہ نطق گشت فالَم شد پخته آفتاب جامم (ص ۲۵۶)

به کارگیری ترکیبات نو و بدیع در لیلی و مجنون دارای بسامد بالایی است و خلق ترکیبات تازه از ویژگیهای سبکی شاعران این دوره به سبک هندی بوده است.

کاربرد نحوی

محمّدامین در مثنوی لیلی و مجنون از انواع فعلها بهره برده است که بیشترین بسامد مربوط به فعل ساده و پیشوندی میباشد به جرات میتوان گفت که در هر ده بیت هشت بیت از فعل ساده استفاده شده است. فعل ساده: بیش از ده برابر افعال مرکب و پیشوندی کاربرد دارد و این معلوم میشود که در سبک هندی افعال مرکب کمترین بسامد را دارد.

مانند: گفت، گویند، می‌خواهم، رفتند، خوردم، گرفت و غیره

از ماه گرفت تا به ماهی برد از رخ از نگهبان سیاهی

فعل مرکب: مثل گمان بردن روی کرد

چون گفت دعا کنید بنهاد پس کرد بگنجه روی چون باد (ص ۲۹۷)

باز کردم

کردم چو در خزینه را باز آمد ز چهار سوی آواز

فعل امر: برخیز ص ۲۸۱ / بنگر (ص ۲۸۲) / بر = یعنی ببر

۱. استفاده از بعضی فرهنگهای هند در لیلی و مجنون

محمّدامین در لیلی و مجنون گاه به صورت سهو یا خواه به صورت آگاهانه از القاب و نگاه زن‌ستیزی استفاده کرده است

هر کس ز زنان وفا طلب کرد	خورشید طلب ز تیره شب کرد
هر کس که به دست زن دهد دل	انبار کند به چشم خود گل
زن مایه شور و شین دهر است	زن مظهر اصل و فرع قهر است
از جفتی زن فزاید اندوه	زن کاه کند به یک نفس کوه

(ص ۱۶۵)

شایان ذکر است که فردوسی نیز در نکوهش زن ابیات زیادی دارد اما اگر دقت کنیم در جای‌جای اشعار خود نیز از مقام والای زن سخن به میان آورده است محمّدامین نیز از این قاعده زن ستیزی مستثنی نیست.

۲. اتصال واژگانی که امروزه از هم جدا نوشته میشود:

گردیده کبابم از تف دل گشتست مرا به جحیم منزل

امروز: گشته است

۳. عیوب قافیه

محمّدامین در سرودن مثنوی لیلی و مجنون به جهت سرعت و سرودن ابیات زیاد کمتر به اصول و قواعد قافیه به‌خصوص در حرف روی توجه داشته است حتی در بسیاری از ابیات قافیه جزو عیوب قافیه محسوب میشود.

ای بیش زهر که در جهان است دریاب مرا که رفتم از دست

که معمولاً فعل است ردیف است و جهان کلمه قافیه = که است را با دست قافیه گرفته است.

۴. استفاده زیاد از زبان محاوره‌ای

القصه

القصه چو جنگ گشت محکم بارید ز چرخ سایه غم (ص ۱۳۱)

افتاد بپای

پیش آمد و کرد آفرینم افتاد بپای چون زمینم (ص ۱)

حق به جانب اوست

نوفل که به آگه از غم اوست دانست که حق به جانب اوست (ص ۱۰)

میان ببند محکم

برخیز میان ببند محکم کز عشق گریخت لشکر غم (ص ۱۸)

رو به راه بودن

از گریه چو رو به راه بودی بشکافته راه را چون رودی (ص: ۱۲۴)

از شیر تاک

از شیر تاک ساز مستم باشد که رسد بپای دستم (ص ۱۱)

ریش سفید

بر ریش سفید من نظر کن از هر هوس و هوا بدرکن (ص ۳۵)

لاله نشین

با لاله نشین و عیش سر کن وز باده دماغ روح تر کن (ص ۹۷)

با دولتیان نشین

با دولتیان نشین زمانی آنگاه تمامی کامرانی (ص ۹۷)

۵. به کارگیری زبان غیر رایج

اگرچه زبان محمدامین در سرودن اشعار بسیار محکم و قوی است اما گاهی در اشعارش به مواردی برمیخوریم که میتوان آن زبان را به ضعف تألیف تعبیر کرد.

مثلاً وقتی میخواهد بگوید «زبان در کام کشیدن» اینگونه به ضعف تألیف گرفتار می‌آید.

چو تیغ غلاف بیم جان را در سینه کشیده‌ام زبان را

این تعبیر ضعف تألیف است: یعنی زبان در سینه کشیدن عبارت نامأنوس است که به ضعت تألیف تعبیر میشود. یا در کلمه شبگیر که در لغتنامه دهخدا شب گیر را سحرگاه یا بیش از صبح معنی کرده اما محمدامین کلمه شب گیر را آمدن شب مورد نظر داشته است.

شبگیر که بر کلاه زر دوز پیچید عمامه سیه روز

۶. به کارگیری تعبیرات بدیع و نو

از مختصات بسیار خوب شعر محمدامین استفاده از به کارگیری از کلمات تازه و بدیع و ترکیبات نو که مختص به سبک خود شاعر است و این شاعر نیز به خاطر این است که شاعر از تخیل بسیار قوی بهره برده است.

به کارگیری تعبیرات و ترکیبات تازه مثل ترکیبات اسمی وصفی مثل: ناله بال یا غم طعمه

از ناله بالهای کیکسان یا قهقهه کوهسار خندان (ص ۱۳۴)

لیکن تویی از بد زمانه غم طعمه خراب کردم خانه (ص ۱۸۲)

۷. بسامد بسیار از کلمات (ترکی و عربی)

آیت، لامع، رحمت

ای آیت رحمت الهی لامع ز تو نور پادشاهی (ص ۶)

مجاوران، عازم

شخصی ز مجاوران بغداد شد عازم سر استرآباد (ص ۱۶)

کلمات ترکی:

غازه‌گر

غاره‌گر چهره حکایت آراسته چنین رخ روایت (ص ۱۴۴)

طغراکش

طغراکش این صحیفه غم اندوه برنج ساخت مدغم (ص ۲۸۳)

استفاده از کلمات ترکی و عربی از بسامد بالایی در مثنوی لیلی و مجنون محمّدامین برخوردار است.

ب: قلمرو ادبی

۱. به علت بی‌توجهی شاعران کوچه و بازار به صنایع بدیع لفظی و بدیع معنوی و فنون بیان جز به صورت اتفاقی کمتر استفاده شده است. البته شاعران همچون محمّدامین در استفاده از آرایه‌های ادبی به خصوص تشبیه بیشتر استفاده کردند. استفاده از تلمیح نقش فعالی دارد و حسن تعلیل و حس‌آمیزی و تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک و شیوه محمّدامین است.

۲. قالب عمده این دوره معمولاً غزل است اما غزل‌های طولانی که گاهی بر خلاف سبک عراقی که معمولاً تا دوازده است در این دوره به چهل الی پنجاه بیت هم میرسد.

۳. در این دوره استفاده از موسیقی‌کناری از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز رواج دارد. حال در این قلمرو به صور خیال که معمولاً در اشعار محمّدامین بسامد فوق‌العاده بالایی دارد که دارای اصیلترین جوهره شعر هستند ارائه خواهد شد.

الف؛ تشبیه ساده

تشبیه ساده تشبیهی است که چهار رکن تشبیه (مشبه، مشبه به، ادات، وجه شبه) در آن ذکر میشود که محمّدامین در بسامد بسیار بالا از آن استفاده کرده است.

حرفش چو مه

حرفش جمال مه در آفاق باشد به میان حرف طاق (ص ۲۹۳)

زبان چو شمشیر

دوشنبه با اهتمام تدبیر گشتم همه تن زبان چو شمشیر (ص ۸۹)

اختر گوئی هلال

اختر گوئی هلال چوگان مه پویه سمند چرخ میدان (ص ۳۱۶)

خاتم چو سپهر

زو یافته تاج سربلندی خاتم چو سپهر ارجمندی (ص ۳۲۷)

ب: تشبیه بلیغ:

بحر کرم

در بحر کرم چو غوطه زن شد مایه ورا ز آن دو صد عدن شد (ص ۲۰۰)

تو نور

تو نور دو دیده جهانی کونین زمین تو آسمانی (ص ۲۰۱)

خشمت کوهی

خشمت کوهی پر از سنگ است قهرت بحری پر از نهنگ است (ص ۴۰۰)

قبه جرات

از قبه جرات ای شهنشاه است فلک البروج کوتاه (ص ۴۰۷)

آتش غم

خشک است لبش ز آتش غم گردید چو آه‌نست بی نم (ص ۴۲۲)

معمولاً انواع تشبیه مانند تشبیه ساده، بلیغ، تشبیه مفصل و تشبیه مؤکد در داستانهای عاشقانه مثل مثنوی لیلی و مجنون از بسامد بالایی برخوردارند که بیشترین سهم را تشبیه بلیغ و تشبیه ساده دارند. تشبیهات به لحاظ شکل مانند تشبیه تفصیل، تشبیه مضمّر، تشبیه مفروق و اضافه تشبیهی از بسامد کمتری برخوردار هستند.

مجاز

نکته: در جریان شعر فارسی هرچه به سبک هندی نزدیک میشویم زبان فشرده‌تر شده و ساختمانهای عطفی و اسنادی جای خود را به ساختار اضافی میدهند مجاز یک واژه در معنی غیرحقیقی آن به کار رفته؛ (جهان سر نهاده بر این داستان) = فردوسی، اینجا جهان مجاز از مردم جهان است.

تفاوت مجاز با استعاره

مجاز علاقه و پیوندش از نوع تشبیه نیست در حالی که در استعاره علاقه و پیوندش از نوع تشبیه است

مثال: استعاره مصرحه

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما ما را انیس و مونس شد (حافظ)

معنی: یار من که همچون ستاره است اما در مجاز نمیشود گفت که جهان سر نهاده بر این دستان مردمی که مانند جهان هستند، غلطه چون رابطه تشبیه برقرار نمیشود.

به کارگیری از صنعت مجاز با بسامد نسبتاً بالایی در شعر محمدامین اصفهانی وجود دارد.

مجاز:

قدحی

ساقی قدحی که در خمارم بی ترس بده که راز دارم (ص ۴۲۴)

دل

دل گشته ز دوری تو مجروح بیزار شده ز کالبد روح (ص ۴۳۹)

دهر

این دهر که کار او رنگیست گاهی رومی و گاه زنگیست (ص ۵۴۵)

قدحی

درکش قدحی و خویش باش چون اشتر است بارکش باش (ص ۵۵۱)

د: استعاره

در مثنوی لیلی و مجنون استعاره از فن بیان استعاره از بسامد بسیار کمی برخوردار است البته در مقابل تشییع بسیار کم است.

دست فلک

از قبحه جرات ای شهنشاه دست فلک البروج کوتاه

بی وفاییست

می ده که سپهر بی وفاییست پیوسته روان به جانیست

گفت و گو

ای خامه طراز و گفتگو کن ور شوق به سوی عشق رو کن

دیده روزگار

گل کرد فلک به جیب و دامن شده دیده روزگار روشن

ه: کنایه

کنایه در لیلی و مجنون دارای بسامد بالایی است.

پشت پا زدن؛ یعنی ترک کردن

فیض تو پا بر خنده‌ها زد بر دهر عطات پشت پا زد (ص ۱۳۴)

پا زدن: رها کردن

جودت به خزانه پشت پا زد جام تو به مهر خنده‌ها زد (ص ۳۹۸)

پای بر سر نهادن: یعنی بلند بالای

خالش زده پای بر سر ماه زو دست دراز مهر کوتاه (ص ۶۴۰)

در سخن محمدامین شهرستانی ما با دو دسته از کنایات روبرو هستیم

کنایات اسمی کنایات فعلی

کنایات رایج و شایع که مسبوق به سابقه است و در متون ادبی متقدم بارها مورد استفاده قرار گرفته مثل: گره از جبین گشادن: به دهان گرفتن / عیبجویی کردن / بی پر و بال شد: عاجز و درمانده شد / و جز آن از میان کنایات فعلی مثل دود دل: آه / نه دایره زمردی: نه فلک / به کارگیری اینگونه کنایات به نظر میرسد که بیانگر مشخصه سبکی محمدامین است. بعضی از کنایاتی که به نظر میرسد ساخته خود او باشد شاید تعبیر زیر را دستمایه کنایه خود شاهد قلمداد کنیم.

جرس از نافه گشودن یعنی ترک محل کردن

اگر بگذاری این هوس را و از نافه گشایی این جرس را

سایه رسیدن در معرض زخم چشم قرار گرفتن

پنداشت که سایه‌ای رسیدش چون سایه به نیل غم کشیدش

دلو دو سر یعنی دنیا

زین دلو دو سر امان ندارم کایم به چه تو را برارم

و: اغراق، مبالغه، غلو

این سه صنعت را محمدامین با بسامد بالایی در جاه‌های کلام و شعر خود آورده و می‌توان گفت که در شعر نظیره‌گویی به‌خصوص داستان لیلی و مجنون این سه صنعت جز شاخصه سبکی هر شاعر داستان سرای عاشقانه است.

تفاوت این سه صنعت:

مبالغه هم عقل می‌پذیرد هم عرف جامعه مثلاً فلانی از جوی بزرگی پرید.

اغراق عقل نمی‌پذیرد اما عرف جامعه قبول میکند مثلاً فلانی از دیوار راست بالا می‌رود ام غلو نه عقل می‌پذیرد نه عرف جامعه.

مثل: نه کرسی فلک اندیشه نهد زیر پای / تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند (ظهیر فاریابی)

اغراق

جز صنعتی بدیعی است که محمدامین شهرستانی آن را در سطوح بسیار گسترده و وسیع به کار گرفته است در حالی که صنعت اغراق بیشتر در حماسه‌سرایی فردوسی بازتاب دارد اما محمدامین خواسته در بعضی از ارائه داستانها در شعر خود حالات حماسی بده تا خواننده بیشتر لذت کسب کند.

برای مثال:

سنگی که به چاهش افکندید زان سوی زمین صدا شنیدید

گل قند لب و زرخ چو بیتی هر مو به سرش چو عندلیبی (ص ۶۶۰)

ابروش که گوشه گیر بودی قوس و قزحش چه شیر بودی (ص ۶۶۵)

غلو

از نغمه به چنگ راه بسته لحنش سر زهره را شکسته

ای هجر تو دلگرای و جانگاه وی درد تو کرده کوه را کاه (ص ۹۰۹)

مبالغه

چو قیس بدید عارض او افکند ز عشق آب در جو (ص ۶۰۵)

پارادوکس

روزی چو شب فراق یاران غم ریختی از هوا چو باران (ص ۸۰۹)

نازک‌اندیشی (صور خیال)

کردی چو بسوی آینه روی گوید خبر تو موی به موی (ص ۷۰۶)

مرغی که باوج کرد پرواز پنهان شدنش بود اعجاز (ص ۷۰۷)

بر اشتر اگر سوار گشتی هستی چو بروی آب گشتی (ص ۷۰۸)

تلمیح

زو آتش مرده گشته زنده صد یوسف از او شده است بنده (ص ۶۱۲)

اسلوب معادله

آنجا چو شدی دلش ز غم تنگ بر سینه نمودی آشنا سنگ

چون دشت شدی مقام او را شستی ز می مغانه رو را (ص ۸۰۵)

شد کلبه‌ی من ز دوری او چون کوز سیاه کرد ابرو (ص ۸۶۵)

تضاد

در مثنوی لیلی و مجنون محمّدامین شهرستانی با بسامد بالایی به کار رفته است.

تضاد فعلی

خورشید فرو شد و برآمد مه نیز چو او مکرر آمد (ص ۸۰۶)

تضاد اسمی

روز و شب و ازدهای چهر رفتند و پس آمدند چون مهر (ص ۸۶۲)

روزم چو شب و صبح چون شام خامم شده پخته پخته‌ها خام (ص ۸۶۶)

ج: قلمرو فکری

کشتار مردم در چند قرن گذشته و تأثیر فساد و فرار شاعران نویسندگان باذوق به خارج از ایران و فقر و گرسنگی همه و همه بیانگر آن است که در اصل اعتلای صفوی یعنی زمان شاه عباس اول ایران از شاعران نویسندگان چیره دست خالی ماند و شاعر نگون بخت ما محمّدامین شهرستانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. شعر هندی معمولاً شعر معنی‌گراست یعنی شاعران به معنا بیشتر توجه داشتند. هیچ معنا و مضمونی در جریان نیست که در شعر صائب دور مانده باشد اگر فرهنگ هند روی شاعران ما تأثیر داشت اما تأثیرگذاری شاعران ما همچون صائب و محمّدامین شهرستانی روی فرهنگ و جامعه هند بیشتر بوده است. صور خیال و نازکاندیشی و خیال‌های باریک همه از اصول سبک اصفهانی که بعدها به سبک هندی تغییر نام داد بوده است.

یک: دیدگاه مذهبی:

رواج شعر شیعی و توجه شاهان صفوی ائمه اطهار در گفته‌های بعضی از شاعران این دوره مشهود است و محمّدامین نیز خود اهل اصفهان و از سادات حسینی بوده است.

دو: دیدگاه عرفانی:

در اشعار محمّدامین رگه‌هایی کمی از عرفان به چشم می‌خورد البته غزلیات (گلستان ناز) که بالغ بر پانصد غزل گفته دیدگاه‌های ضعیف عرفانی به چشم می‌خورد اما در مثنوی لیلی و مجنون در مقدمه در نعت پیامبر و معراج سبب نوشتن کتاب و نعت خداوند مضامین عرفانی بیشتر به چشم می‌خورد.

سه: دیدگاه عاشقانه:

در این دوره به خصوص در نظیره‌گویی لیلی و مجنون محشون است از دیدگاه عاشقانه تمامی چهارهزار بیت لیلی و مجنون شهرستانی از مضامین دلکش و عاشقانه است.

توجه شاعران به عشق زمینی در این کاملاً مشهود است. جملات کوتاه، پیام مشخص عاشقانه، عشق‌های اصیل ایرانی کاملاً از فرهنگ اصیل ایرانی بهره گرفته است.

در سبک عراقی نیز سعدی نیز در عشق عاشقانه نرسیدن به معشوق را بیشتر می‌ستاید برخلاف شعر عرفانی که تلاش رسیدن به معشوق آسمانی است.

سرم از خدای خواهد که بیایش اثر افتد که در آب مرده بهتر که در آرزوی آبی

چهار: دیدگاه اجتماعی

تأثیرات شاعران پیش از دوره صفویه و سبک هندی بر اندیشه اجتماعی شاعران همچون محمدامین تأثیر فراوانی داشته است به همین رو در اشعار لیلی و مجنون محمد پر است. از مضامین اجتماعی و فرهنگی و پند و حکمت‌آمیز.

پنج: مضمون خمیه

شاعران معروف همچون نظامی در ابتدای بعضی از مثنویهای خود مبحث «ساقی‌نامه» داشتند. که محمدامین نیز در لیلی و مجنون مباحث بسیار زیبا با مضامین دلکش هنرمندانه از «ساقی‌نامه» با ب्राعت استهلال: «ساقی قدحی که در خمارم/ بی‌ترس ده که راز دارم» سروده است که بینهایت مستحکم و دارای فصاحت و بلاغت کامل است.

نقش حکومت صفوی در فرآیند شعر و شاعری

با روی کار آمدن حکومت صفوی و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و شعر عاشقانه به شدت بی‌توجه بود. به همین خاطر شاعران اشعار خود را بیشتر با مضامین تازه و به زبان جدید همراه میکردند. از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرای دربار صفوی باعث شد که گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها ندادن به شعر ستایشی در ایران باعث شد که شاعران مدحیه‌سرا برای امور معاش خود راهی دیار هند شوند زیرا در هندوستان هنوز رسم دربارهای قدیم و بازار و قصیده و مدح رواج داشت. رونق اقتصاد در دوره صفویه این امکان را به وجود آورد که همه مردم به اندازه توان خود به امور فرهنگی به خصوص ادبیات بپردازند.

و به همین خاطر شاعران در ابداع معانی خیال‌های رنگین شهره عام و خاص بودند. ضرب‌المثل، الفاظ محاوره‌ایی وارد شعر شد. نازک‌اندیشی، اسلوب معادله و مضمونهای بکر و تازه در اندیشه شاعران موج زد. محمدامین شهرستانی چون شاعر نظیره‌گو بود در سرودن مثنویها پیرو شاعران سلف خود نظامی بود پس نمیشود برای او را صاحب سبک یا ویژگیهای برجسته برشمرد. اما از آنجایی که منصب دیوانی شاهان هند را داشت و به تمامی کتابخانه‌های هند دسترسی داشت میتوان به جرأت گفت که بیشترین آثار شاعران گذشته را مطالعه کرده و به همین مضامین تازه و دلکش و خلق و نازک‌اندیشی و صور خیال در اشعارش موج میزند.

معرفی نسخه‌های خطی کلیات محمدامین شهرستانی اصفهانی

معرفی نسخه‌های خطی کلیات محمدامین:

کلیات نسخه‌های خطی از نظر قالب شعری به دو دسته تقسیم میشود:

الف: دیوان غزلیات (گلستان ناز) که بالغ بر پانصد بیت میباشد که ظاهراً محمدامین آن را در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته است که دارای یک سرلوح میباشد و برگ‌ها با طلا و لاجورد جدول‌کشی شده است.

ب: مثنویهای محمدامین شهرستانی:

یک: خسرو و شیرین؛

دو: مطمح‌الانظار؛

سه: لیلی و مجنون؛

چهار: آسمان هشتم.

پژوهشگران معتقد هستند که محمدامین تنها موفق به سرودن چهار منظومه از نظامی شده است که تنها نسخه خطی کامل این چهار منظومه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره (۹۱۸۲) موجود است.

خسرو و شیرین یا شیرین و خسرو

شیرین و خسرو را محمدامین به سال (۱۰۱۷ ه.ق) در بیش از هشت هزار بیت سروده است با دیباجه‌ای در نشر (ذریعه ۷: ۲۶۰ ج ۱۴: ۲۶۹)

مطمع‌الانظار

دومین مثنوی روح‌الامین است که به اقتضای مخزن‌الاسرار نظامی سروده شده است این مثنوی مقدمه‌ای به نظم و نشر دارد که به سال (۱۰۱۹) به محمدقلی قطب‌شاه هدیه کرده است.

لیلی و مجنون

محمدامین مثنوی لیلی مجنون را در مدت نه ماه سال ۱۰۲۰ هجری در بحر هزج مسدس ارب مقبوض محذوف (مفعول و مفاعل فاعولن) به پیروی از لیلی و مجنون نظامی به رشته نظم کشیده است. بودم اندر تلاش آن در راه تا به آخر رسید در نه ماه

آسمان هشتم - فلک‌البروج = بهرام‌نامه = هفت گنبد نامگذاری شده که مربوط به داستان بهرام گور.

نسخه‌های خطی لیلی و مجنون^۱

۱- تهران مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۱۸۲ و به شماره میکروفیلم ۹۹۳ مجلس که کاملترین نسخه خطی روح‌الامین است.

۲- ۳۳۵۹: تهران دانشگاه ۳۴۷۶ آغاز و انجام افتادگی دارد ۱۴۷ برگ ۱۲ سطری است.

۳- نسخه کتابخانه ملی تهران به شماره ۵/۲۳۶۹۱ در ۱۸۰ برگ ۱۴ سطری.

۴- تهران دانشسرای عالی ۱۱۶/۳ قریب.

۵- تک نسخه لیلی و مجنون مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۳۶۰۱ به شماره بازیابی ۷۴۱۸ نسخه فهرست شده است. ۲۶۳۲

۶- ۳۳۵۹۷: موزه بریتانیا Add24088 نستعلیق سده (۷ م). آغاز برای نمونه ۱۹۰ برگ (ریو ۲: ۶۷۵).

۷- ۳۳۵۹۸: نسخه دستنویس موزه بریتانیا Add6617 نستعلیق سده (۱۷ م). ۱۶۴ برگ (ریو ۲: ۶۷۵).

همانطور که اشاره شد نسخه خطی محمدامین شهرستانی یکی از کاملترین نسخه‌هایی است که نام کاتب (جواد آبداه‌ای) و تاریخ کتابت ۱۳۰۲ ق. با خط خوش نستعلیق با تحشیه کامل که تعداد کامل ابیات لیلی و مجنون روح‌الامین ۴۷۵۰ بیت است، در حالی دکتر ذبیح‌الله صفا تعداد ابیات مثنوی روح‌الامین را بالغ ۸۰۰۰ بیت دانسته است. (صفا: ذبیح‌الله ج ۵؛ ص ۳۲۲)

«آسمان هشتم» معروف به «بهرام‌نامه» یا «هفت گنبد»، مثنوی‌ای با «۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ بیت» درباره داستان «بهرام گور» است.

^۱ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی ص ۳۱۰۳

- ویژگیهای نسخه:

- قرن «یازدهم هجری»، خط «نستعلیق هندی»، جلد «تیماج بنفش».
نکته: این نسخه از نظر محتوا مشابه «هفت‌پیکر» نظامی، اما اثری مستقل است.
در فهرست کتب شیعه یعنی (الذریعه الی تصانیف الشیعه) به عربی می‌نویسد:
«روح الامین در سال ۹۸۱ در اصفهان متولد شد و در سال ۱۰۴۷ در هندوستان وفات یافت. از خمره او چهار منظومه در کتابخانه سلطان القرانی یافته شده است.»

شیوه سبکی ساقی‌نامه محمدامین

در علم بدیع و بیان ساقی‌نامه همان براعت استهلال است وقتی شاعر ابتدای قصیده عبارتی با الفاظ لطیف می و شراب ذکر میکند و با ترک تعلقات دنیا و پند و نصیحت ذکر میکند که با مطالب بعدیش مناسبت پیدا کند ساقی‌نامه گویند.

ساقی‌نامه: به نقل از دهخدا نوعی شعر مثنوی است (در بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف است که وزن و گویش حماسی دارد که در آن شاعر خطاب به ساقی کند و مضامین در یاد و مرگ و بیان بی‌ثباتی حیات دنیوی و پند و اندرز و حکمت ...) آورد نظامی گنجوی در اسکندرنامه ساقی‌نامه‌ای سروده که مادر همه ساقی‌نامه بعد از خود می‌باشد.

بعضی از پژوهشگران نظامی گنجوی را بنیانگذار ساقی‌نامه معرفی کرده‌اند، ولی بعضی گویند از لابه‌لای قصیده خاقانی مشخص میشود که وی اولین کسی است که ساقی‌نامه را بیان کرده است. در تذکره میخانه (قزوینی سال ۱۰۲۸) شرح احوال شاعرانی را که ساقی‌نامه دارند را بیان میکنند.

بهترین ساقی‌نامه‌ها

رضی‌الدین آرتیمانی است که ساقی‌نامه زیبا سروده است که چند بیت آن آورده شده است.

الهی	به	مستان	میخانه‌ات	به	عقل	آفرینان	دیوانه‌ات
به	رندان	سرمست	آگاه	دل	که	هرگز	نرفتند
به	مستان	افتاده	در	پای	خم	به	رندان
						پیمانه	پیمای
							خم

از محمدامین شهرستانی ساقی‌نامه‌ای در مثنوی لیلی و مجنون به جای مانده است که بالغ بر ۷۱ بیت میباشد که بر وزن همان لیلی و مجنون (مفعول مفاعیلن فعولن) سروده شده است.

نتیجه‌گیری

شعر فارسی که در قرن دهم و یازدهم داشت دوران افول خود را پشت سر میگذاشت و به شکوفایی میرسید، متأسفانه با بی‌مهری حکومت صفوی روبه‌رو شد و همین بی‌توجهی پادشاهان صفوی باعث شد که بیشترین شاعران از دربار صفوی راهی دیار هندوستان شوند.

شعر فارسی در هند با شاعران بزرگی مانند صائب تبریزی صاحب سبک هندی، امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی، کلیم کاشانی، اختر یزدی و محمدامین شهرستانی اصفهانی رونق و کمال یافت و در طول قرون گذشته شاعران بزرگی در آن سرزمین ظهور کردند.

روح‌الامین یکی از شاعران پرکار زمان خویش بود که با تمکن مالی در دربار محمدقلی قطب‌شاه بدست آورده بود شاعرانی چون اختر یزدی و کلیم کاشانی را سرپرستی کرد و حتی کلیم کاشانی در چند قصیده و غزل روح‌الامین را مدح کرده است.

روح‌الامین از نظیره‌سرایان نظامی است و در این نظیره‌گویی از تجربه شاعران پیش از خود نیز بهره برده است چنان که خود در شیرین و خسرو از جامی و امیر خسرو دهلوی به بزرگی یاد می‌کند. روح‌الامین علاوه بر نظیره‌گویی (مثنوی) دیوان غزلیات نیز دارد که در دوران جوانی سروده است. شاعر در مقدمه این دیوان را «گلستان ناز» نامیده است.

چه بسیار شاعرانی هستند که حتی یک بیت هم نگفته‌اند!!!!؟؟؟

چه بسیار شاعرانی هستند که شعر گفته‌اند اما آثارشان در گوشه طاقچه منزل یا کتابخانه‌ها خاک خورده و از بین رفته‌اند.

چه بسیار شاعرانی هستند که آثارشان نه تصحیح شد و نه به چاپ رسید و باز چه بسیار شاعرانی هستند که اشعارشان در موزه‌های خارج از کشور باقی ماند و ادب دوستان از دسترسی خیل عظیم آن آثار بازماندند.

به امیدی روزی که این میراث غنی و بزرگ در ایران و خارج از کشور پاسداشت گردد و هیچ آثاری چه نظم و چه نثر نباشد که به تصحیح و چاپ نرسیده باشد.

نتایج این پژوهش و معرفی و در دسترس قرار دادن کلیات آن می‌تواند بار دیگر پژوهشگران ادبی برای تدوین سبک‌شناسی، جامعه‌شناختی، فرهنگی زبان فارسی و تدوین علمی تاریخ ادبیات باشد به ویژه در باز شناخت در قلمرو زبان و ادب فارسی در هندوستان بسیار مفید خواهد بود.

جامعه‌شناسان نیز می‌توانند برای مطالعه جامعه‌شناسی مردم ایران در ادوار مختلف به ویژه در قرن دهم و یازدهم از آن بهره جویند.

اشارات تاریخی شاعران نیز می‌تواند به مورخان و وقایع‌نگاران این امکان را بدهد که در تدوین تاریخ از آن بهره ببرند.

REFERENCES

- Athar Razavi, Abbas. (1997). *Shia in India (Volume 1)* Qom, Islamic Research Studies Center, Qom Translation Unit.
- Al-Hasani, AbdulHai. *Nuzhat al-Khawatir wa Bahjat al-Masam' wa al-Nawazer*, Hyderabad: Press of the Ottoman Encyclopedia Council.
- Bafqi, Muhammad. (2006). *Jami' al-Mufidi* edited by Iraj Afshar, Tehran: Asatir.
- Bastami, Ali Ibn Tayqur. (unpublished). *Gardens of the Sultans*, edited by Sharif al-Nisa al-Ansari, Delhi Sharif al-Nisa al-Ansari (Nomani Press).
- Bahar, Muhammad Taqi. (2003). *Stylistics*, Vol. 1, Tehran: Amir Kabir.
- Turkman, Eskandar Bek. (1971). *Tarikh al-Alam al-Aray Abbasi*, including the events of the reign of Shah Abbas, including the events of the reign of Shah Abbas from the fifteenth year of his reign – Tehran: Gulshan.
- Jahangir, King of India, son of Akbar Shah (Emperor of India). *Nooruddin Tuzak Jahangiri*, lithograph.

- Khoshgo, Bandar bin Das, Safineh Khoshgo, Tazkirat-ul-Shu'ara Persian, Arabic and Persian Research Department Publication Series. Patna (Bahar), edited by Seyyed Asghar Hakim, Majlis Library.
- Daneshpajoo, Muhammad Taqi, Elmi Anwar, Baha'uddin. (2012). Library Catalog of the Islamic Consultative Assembly.
- Zeeb Haidar. (1996). Support of the Qutb Shahi Kings, translated by Basharat Mahmud Mirza, Danesh Magazine.
- Shafiq Aurangabadi, Lajmi Narayan (1977 AD) Sham Ghariban.
- Shirazi (Ziyauddin Hadayek) Ibn Yusuf, Catalog of Manuscripts of the Islamic Consultative Assembly, with the clarification of Ha'eri, Abdul Hussein.
- Sheikh Agha Bozorg Tehrani, Muhammad Hassan. (1993). Al-Dhari'ah to the Works of the Shi'a (Vol. 7) Mashhad Islamic Research Foundation.
- Ruholamin Shahrestani, Mir Mohammadamin (2010). Khosrow and Shirin with correction and introduction by Parichehr Soltani, Tehran: Saman Danesh.
- Shahrestani, Ruholamin (981 AH). Layla and Majnoon, manuscript number 9182 and microfilm number 993, Tehran: Majles Consulta Islami.
- Saba, Molavi Muhammad Mozaffar Hossein. (1964). Tazkirah Rooz Roshan, corrected and annotated by Muhammad Hossein Roknzadeh Ademiyyat. Tehran: Razi Library Publications.
- Safa, Zabihullah. (1998). History of Literature in Iran, Vol. 6, Tehran Ferdowsi.
- Safa, Zabihullah. (1997). History of Literature in Iran, Tehran, Ferdowsi.
- Abedi Mahmud, thesis, (Golestan Naz) Kharazmi University.
- Kanbu, Muhammad Saleh, Amal Saleh al-Musum bi Shah Jahannameh Tahshiyeh, Yazdani, Ghulam, corrected by Qureshi, Vahid, pp. (209-210).
- Kashani, Kaleem (1983) Divan with introduction, footnotes and dictionary by Mehdi Afshar Tehran: Arjang Press.
- Golchin Maani, Ahmad. (1989). Caravan of India. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Lahori, Mawlavi Abdul Hamid (1867 AD). Padashah Nameh Tashi of Mawlavi Kabir al-Din and Mawlavi Abdul Rahim, Calcutta: College Press.
- Manzavi, Ahmad, (1969). List of Persian Manuscripts. Tehran: Regional Cultural Institute.
- Maktabi Shirazi with Layli and Majnun (unpublished). Edited by Ismail Ashraf; Shiraz: Mohammadi Publications.
- Heravi, Nizam al-Adin Ahmad. (1931). Tabaqat Akbari, vol. 2, Calcutta.
- Dehkhoda Dictionary, (Dehkhoda Ali Akbar) Tehran, Tehran University Press.
- Nasrabadi, Mohammad Taher, Tazkirat-ul-Shu'ara.
- Nezami Ganjavi. (unpublished). Khamseh; edited by Vahid Dastgerdi with the help of Saeed Hamidian, Tehran, Qatra.
- Nezami Ganjavi. (2002). Masnavis, manuscript number 9182, Islamic Consultative Assembly Library.
- Nezami Ganjavi. (2012). Aseman-e-Hastham with introduction and research by Gulaleh Honari, Qomrial Majma' al-Zakhair al-Islami.

فهرست منابع فارسی

- اطهر رضوی، عباس. (۱۳۷۶). شیعه در هند (جلد اول) قم، مرکز مطالعات تحقیقات اسلامی واحد ترجمه قم.
- الحسنی، عبدالحی (۱۳۷۵ هـ ۱۹۵۵ م). نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، حیدرآباد: مطبعة مجلس دایرةالمعارف العثمانیه.
- بافقی، محمد. (۱۳۸۵). جامع مفیدی به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- بسطامی، علی ابن طیقور. (بی تا). حدائق السلاطین، تصحیح شریف النساء الانصاری، دهلی شریف النساء انصاری (نعمانی پرس).
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). سبکشناسی ج ۱، تهران: امیر کبیر.
- ترکمان، اسکندر بیک. (۱۳۵۰). تاریخ عالم آرای عباسی، شامل وقایع سلطنت شاه عباس، شامل وقایع سلطنت شاه عباس از سال پانزدهم پادشاهی - تهران: گلشن.
- جهانگیر، پادشاه بن اکبر شاه (امپراتور هند). نورالدین توزک جهانگیری، چاپ سنگی.
- خوشگو، بندر بن داس، سفینه خوشگو، تذکره الشعرا فارسی سلسله انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی. پتنه (بهار) به تصحیح سید اصغر حکیم کتابخانه مجلس.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، علمی انوار، بهاءالدین. (۱۳۹۱). فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- زیب حیدر. (۱۳۷۵). پشتیبانی پادشاهان قطب شاهی، ترجمه بشارت محمود میرزا، مجله دانش.
- شفیق اورنگ آبادی، لجهمی نراین (۱۹۷۷ م). شام غریبان.
- شیرازی (ضیا الدین حدائق) ابن یوسف، فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی به تصریح حائری، عبد الحسین.
- شیخ آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن. (۱۳۷۲). الذریعه الی تصانیف الشیعه (ج ۷) مشهد بنیاد پژوهش اسلامی.
- روح‌الامین شهرستانی، میر محمدامین (۱۳۸۹). خسرو و شیرین با تصحیح و مقدمه پریچهر سلطانی، تهران: سامان دانش.
- شهرستانی، روح‌الامین (۹۸۱ هـ). لیلی و مجنون نسخه خطی به شماره ۹۱۸۲ و شماره میکروفیلم ۹۹۳ تهران: مجلس شورای اسلامی.
- صبا، مولوی محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳ ش). تذکره روز روشن به تصحیح و تهشیه محمد حسین رکن‌زاده آدمیت. طهران: انتشارات کتابخانه رازی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۷ ش). تاریخ ادبیات در ایران ج ششم، تهران فردوسی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۶ ش). تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوسی.
- عابدی محمود، پایان‌نامه، (گلستان ناز) دانشگاه خوارزمی.
- کنبو، محمد صالح، عمل صالح الموسوم به شاه جهان‌نامه تهشیه، یزدانی، غلام تصحیح قریشی، وحید صص (۲۰۹ - ۲۱۰).
- کاشانی، کلیم (۱۳۶۲) دیوان با مقدمه و حواشی و فرهنگ لغات مهدی افشار تهران: چاپ ارژنگ.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). کاروان هند. مشهد: آستان قدس رضوی.
- لاهوری، مولوی عبد الحمید (۱۸۶۷ م). پادشاه‌نامه تصحی مولوی کبیرالدین و مولوی عبدالرحیم، کلکته: کالج پریس.

منزوی، احمد، (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای. مکتبی شیرازی با لیلی و مجنون (بی تا). به اهتمام اسماعیل اشرف؛ شیراز: انتشارات محمدی. هروی، نظام‌الدین احمد. (۱۹۳۱). طبقات اکبری، ج ۲، کلکته. لغتنامه دهخدا، (دهخدا علی اکبر) تهران انتشارات دانشگاه تهران. نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره الشعرا. نظامی گنجوی. (۱۳۸۱). خمسه؛ تصحیح وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره. نظامی گنجوی. (بی تا) مثنویها، نسخه خطی شماره ۹۱۸۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نظامی گنجوی. (۱۳۹۱) آسمان هشتم با مقدمه و تحقیق گل‌اله هنری، قم‌ریال مجمع ذخایر اسلامی.

معرفی نویسندگان

مهسا سادات سیدصالحی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: 1220056448@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-1137-8136)

مریم محمدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: M_mohamadi@iaui.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-7730-8690)

غلامرضا داوودی‌پور: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Davoudipour.g@wtiau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-9468-3241)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mahsa Sadat Seyedsalehi: Department of Persian Language and Literature, NT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: 1220056448@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-1137-8136)

Maryam Mohammadi: Department of Persian Language and Literature, NT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: M_mohamadi@iaui.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-7730-8690)

Gholamreza Davoodipour: Department of Persian Language and Literature, WT.C, (Email: Davoudipour.g@wtiau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-9468-3241)